

The Underworld and its Emergent Effects

Mahan Moalemi

There was a hole right into the underworld, but you preferred to take the stairs and have now walked down to the basement. Welcome! The underworld, whether as the realm of what can move beyond the lawful and is hence considered criminally capable, or as the abode of the dead, where they are said to be still living on, is ultimately where both the potentials and the actuals share the same presence and effect the same force. Rules of the underworld are that of a shadow play; they allow for the diffusion of contours, the melting of concrete shapes. An enlightenment of another kind. In the best of cases, this world never really takes shape.

This duo presentation by Mimi Amini and Mamali Shafahi serves as a point where two practices confront and is a privileged moment for the artists to distance from one's own practice and approach the other's, to appropriate skills for the inappropriate and practice the impractical. This exhibition is therefore based on blended formation. Not only the modes of display but the very integrities of all that is on display are rooted in a collective spirit that revisits previous individual works while reflecting on the becoming of shared atmospheres. This exhibition is not about figuring out the right way of making certain things, or non-things, appear; it's an attempt to craft a nature of appearances, where nothing exceeds, nor falls short of, the real world of the Great Outdoors.

The three of us first met him on the shore. We had gone on a trip and he joined us thereafter for the rest of our days in the island. Now, few months later, we are all meeting him again in the underworld, where our steps land on the sand, again, but only virtually and via transparent sheets of plastic. His presence, though, is fenced off and his appearance is that of silhouettes. He's more of an image than flesh and energy. Yet he doesn't attain an iconic state as he keeps on living a life of anonymity. His body is mirroring that of the audience, not only under the lights that change in sequence and let us temporarily take on exotic looks, but also in light of the perceptive legacies of the white cube where, as Brian O'Doherty once put it, "while

eyes and minds are welcome, space-occupying bodies are not." Sat inside a cage, he is surrounded by neons and abstract shapes, those of the shaky shadows that moving bodies and still objects cast, of crumpled glowing gauzy fabrics left here and there, and of forms that derive, again, from the past: leftover cutouts from Amini's previous works, and a wall piece of hers lying on the ground, are incorporated into Shafahi's system of lighting that arranges the single space of exhibition into various time strata. Each interim period activates certain forms and makes others disappear. Almost everything is in transition, transgressing — forms and figures fade into specters, dispatched to the depths of the earth, excited to merge with the afterlife and transcend. This picturesque landscape of crafted appearances is a studio drama, where the actant (artist-protagonist) is caught in the midst of the frozen ruins of past practice. But aspires to higher spires.

Do you hear it, the sound that rushes in and soon fades out? Could it be an echo of the Seven Trumpets? Should we imagine so, it might be then possible to draw further associations: The figure lying on the ground, with a specifically reworked appearance due to its present placement, could be seen as the shadow of the Angel of History, which was once being blown into the future while fixedly staring at the past and us, the onlookers. The bulked up geometry of this silhouette pertains to the profile of a blank plateau, oriented as a stage for projecting free associations that hauntingly come back from the past or hurriedly arrive from the future.

This text was written by Mahan Moalemi on the Occassion of "The Underworld and its Emergent Effects", an exhibition of works by Mimi Amini and Mamali Shafahi , May 2016, Dastan's Basement, Tehran, Iran.

■ Text Courtesy of Mahan Moalemi and Dastan's Basement

جهان زیرین و اثرات ناشیه

ماهان معلمی

سوراخی بود که صاف سر از جهان زیرین در می‌آورد، اما شما ترجیح دادید که با پله به این پایین، به زیرزمین بیایید. خوش آمدید! جهان زیرین، چه به عنوان حوزه‌ی آنچه می‌تواند فراتر از قانون رود و در نتیجه توان مجرمانه دارد، و چه به عنوان مأوای مردگان، آنجا که بنا به گفته‌ها آن‌ها هنوز به زیستن می‌گذرانند، نهایتاً جایی‌ست که هم بالقوگی‌ها و هم هرآنچه فعلیت یافته حضوری هم‌ارز دارند و نیرویی یکسان اعمال می‌کنند. قوانین جهان زیرین همان قوانین سایه‌بازی‌اند؛ خطوط محیطی پخش می‌شوند، اشکال سفت و سخت ذوب می‌شوند و گونه‌ای دیگر از روشنگری سر بر می‌آورد. با این حال، این جهان در بهترین حالت هیچگاه فرمی به خود نمی‌گیرد.

نمایشگاه دونفره‌ی میمی امینی و مملی شفاهی در حکم نقطه‌ی برخورد دو رشته فعالیت هنری‌ست، و در نتیجه لحظه‌ی خاصی‌ست برای هر کدام از هنرمندان تا از فعالیت خود کمی فاصله بگیرند و به فعالیت دیگری کمی نزدیک شوند. از این رو، این نمایشگاه مبتنی بر نوعی شکل‌گیری درهم‌آمیخته است. نه تنها شیوه‌ی نمایش بلکه تمامیت هر آنچه به نمایش درآمده ریشه در روحی جمعی دارد که هم کارهای قبلی را بازبینی می‌کند و هم در فکر چگونگی ایجاد جوی مشترک است. دغدغه‌ی این نمایشگاه یافتن راه درست به ظهور رساندن چیزها یا ناچیزها نیست، بلکه تلاش می‌کند تا طبیعتی از ظواهر بسازد، و این در حالی‌ست که هیچ چیز نه می‌تواند از جهان واقعی آن بیرون پیشی بگیرد و نه خود را از آن پس بکشد.

ما سه نفر او را نخستین بار روی ساحل ملاقات کردیم. به سفر رفته بودیم و از لحظه‌ی ملاقات به بعد او ما را در باقی روزهای مان در جزیره همراهی کرد. حالا، ماه‌ها بعد، همگی او را در جهان زیرین دوباره ملاقات می‌کنیم، جایی که باز قدم بر شن و ماسه می‌گذاریم اما تنها به شکلی مجازی، از پس ورقه‌های شفاف پلاستیکی. اما حضور او اینجا در حصار قرار گرفته و ظاهرش به شبح شبیه است. جنسش بیشتر از تصویر است تا گوشت و پوست و انرژي. با این حال به آیکون هم تبدیل نمی‌شود چرا که به زیست بی‌نام‌ونشان‌ش ادامه می‌دهد. پیکرش آینه‌ی پیکر بازدیدکنندگان این نمایشگاه است. نه تنها از بابت این نورها که گاه‌به‌گاه عوض می‌شوند و به چهره‌های مان ظاهری آگزوتیک می‌بخشند، بلکه همچنین از بابت میراث ادراکی مکعب سفید گالری که به نقل از برایان اُدِرتی «اگرچه چشم و ذهن را با آغوش باز می‌پذیرد اما بدن‌هایی را که فضا را اشغال می‌کنند از خود می‌رانند.» او درون یک قفس نشسته و اطرافش نئون‌ها و اشکال انتزاعی پخش‌اند؛ سایه‌های لزران بدن‌های متحرک و اشیای ساکن، پارچه‌های نورانی و درهم‌پیچیده، و فرم‌هایی که باز از گذشته

نشأت گرفته‌اند: تکه‌بریده‌های به جا مانده از کارهای قبلی امینی، و همچنین یکی از آثار دیواری او، درون ساختار نورپردازی شفاهی قرار گرفته‌اند، ساختاری که فضای یگانه‌ی نمایشگاه را به لایه‌های زمانی متنوع تقسیم می‌کند. هر کدام از این بازه‌ها برخی فرم‌ها را ظاهر می‌سازند و برخی دیگر را پنهان می‌کنند. تقریباً همه چیز در حال گذار است، در حال فرا رفتن از مرزهایش — فرم‌ها و پیکره‌ها همان قدر که مثل ارواحی در قعر زمین به نظر می‌رسند، از هیجان ظهور دوباره در حیاتی آتی آکنده‌اند. این منظره‌ی بدیع از ظواهر دست‌ساخته صحنه‌ایست از درام آتلیه، جایی که هنرمند، این بازیگر نقش اول، در میانه‌ی خرابه‌هایی از فعالیت‌های پیشین گیر افتاده، اما اشتیاق ساختن باروهایی بلندتر او را به پیش می‌برد.

می‌شنوی؟ این صدایی را که ناگهان سر می‌رسد و زود محو می‌شود می‌شنوی؟ ممکن است پژواک هفت شیپور روز رستاخیز باشد؟ اگر ممکن است که چنین تخیل کنیم، پس احتمالاً تداعی‌هایی دیگر هم ممکن‌اند: پیکری که درازکش روی زمین قرار گرفته، و ظاهرش بنا به این جایگیری به‌خصوص تغییراتی کرده، می‌تواند در حکم سایه‌ی فرشته‌ی تاریخ باشد، فرشته‌ای که باد به سمت آینده می‌بردش درحالی که رو به گذشته داشت و به چهره‌ی ما بینندگان نگاه می‌کرد. هندسه‌ی حجم‌یافته‌ی این سایه‌ی شب‌گون انگار که بخشی از مقطع فلاتی بکر و خالی‌ست، صحنه‌ایست برای تاباندن تداعی‌های آزاد که بی‌اختیار از گذشته باز می‌گردند یا سراسیمه از آینده فرا می‌رسند.

این متن توسط ماهان معلمی به‌مناسبت نمایشگاه «جهان زیرین و اثرات ناشیه»، پروژه‌ای از میمی امینی و مملی شفاهی، خرداد ۱۳۹۵، در زیرزمین دستان نوشته شد.

■ کلیه‌ی حقوق متن برای ماهان معلمی و زیرزمین دستان محفوظ است